

بررسی علل کنترل فساد در سطح کلان مبتنی بر منطق فازی

مریم رضایی دره‌ده، * اسدالله نقدی **

چکیده

فساد به‌عنوان یکی از واقعیت‌های جامعه‌امروزی، رشد بی‌سابقه‌ای در نظام اداری، سیاسی و اقتصادی جهان داشته است و طبق آمار سازمان شفافیت بین‌المللی هیچ منطقه یا کشوری در جهان از خسارت فساد مصون نیست. در این مقاله با گمانه‌زنی‌های نظری به دنبال مطالعه تطبیقی شروط لازم و کافی وقوع نتیجه، یعنی کنترل فساد، در سطح کلان هستیم. بر اساس چارچوب نظری ارائه‌شده، برای کنترل فساد سه بعد یا سه قید (شرط/ ملاک) قائل شدیم: حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی. روش‌شناسی این تحقیق کمی و مبتنی بر روش تطبیقی است و مجموعه داده‌های چهارده کشور که در مجموع با توجه به نتیجه شامل موارد مثبت و منفی هستند، با استفاده از رهیافت فازی تحلیل شده‌اند. یافته‌ها حاکی از این است که حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی هر یک به‌تنهایی شرط لازم بروز نتیجه، یعنی کنترل فساد، است. در علیت‌های عطفی و ترکیبی، از میان مسیرهای مختلف علی، تنها یک مسیر علی براساس معیارهای ضرورت و کفایت و شاخص سازگاری و شاخص پوشش دارای اهمیت نظری و تجربی لازم بود. در این مسیر علی، حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در ترکیب با هم، توأمان علیت عطفی لازم را در بروز نتیجه موردنظر فراهم کردند. همچنین نتایج نشان می‌دهد شاخص سازگاری مسیر باقی‌مانده ۰/۹۷ است و این مسیر ۸۴ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را پوشش می‌دهد و دارای اهمیت نظری و تجربی قابل‌قبولی است. بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت شروط موردبررسی قدرت تبیینی قابل قبول و بالایی در تحلیل مسیر علی کشورهای موردبررسی دارند.

کلیدواژه‌ها: کنترل فساد، حاکمیت قانون، توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول) m.rezaie2006@yahoo.com
** دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان naghdi219@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص ۸۱-۹۹

۱. مقدمه و طرح مسئله

در چند دهه اخیر، موضوع و مسئله فساد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، محققان حوزه علوم مدیریت، حقوق، علوم سیاسی و سایر رشته‌ها را به خود جلب کرده است و به واسطه این توجه، بدنه دانش و ادبیات پژوهشی مبسوطی در سطوح مختلف تولید شده است. این مسئله به‌عنوان یکی از واقعیت‌های جامعه امروزی، رشد بی‌سابقه‌ای در نظام اداری، سیاسی و اقتصادی جهان داشته است. طبق آمار سازمان شفافیت بین‌المللی^۱ هیچ منطقه یا کشوری در جهان از خسارت فساد مصون نیست و در اندازه‌گیری فساد کشورها در سال ۲۰۱۶ نشان داده شده است که اکثریت کشورهای جهان نمره زیر پنج در مقیاس صفر تا ده را دارند (سازمان شفافیت بین‌المللی: ۲۰۱۶). اندازه‌گیری سازمان شفافیت بین‌المللی از میزان فساد کشورهای جهان در سال ۲۰۱۶ نشان‌دهنده ناکامی عمومی است. چراکه فساد بر کیفیت حکومت، اعتماد تعمیم‌یافته، حمایت عمومی، رشد اقتصادی و در نهایت بر ثبات بیشتر دموکراسی تأثیرگذار است (فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱: ۸).

مفهوم فساد مانند دیگر مفاهیم در علوم اجتماعی به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. با وجود تعاریف مختلف، به دو تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل و بانک جهانی که ماهیت تحلیل مقاله را پوشش می‌دهد بسنده می‌کنیم. سازمان شفافیت بین‌الملل فساد را سوءاستفاده از قدرت اعطاشده برای انتفاع شخصی تعریف کرده است. کافمن نیز که اندیشه حکمرانی خوب را مطرح کرده است و اطلاعات آن در بانک جهانی موجود است، فساد را بهره‌برداری از قدرت عمومی برای سود شخصی تعریف کرده است (کافمن و همکارانش، ۲۰۱۰: ۲).

سه شاخصی که معمولاً به‌صورت بسیار گسترده در اندازه‌گیری فساد به کار برده می‌شود عبارت‌اند از: شاخص کنترل فساد بانک جهانی، شاخص شفافیت بین‌الملل و شاخص درک از فساد. با توجه به ماهیت موضوع در این مقاله برای اندازه‌گیری فساد، از شاخص کنترل فساد استفاده می‌شود که به‌عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب سالانه توسط بانک جهانی تهیه می‌شود. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی است. حکمرانی خوب روایتگر توسعه انسان‌محور است. یعنی نه‌تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد تا همه این اهداف و ارزش‌ها در یک جا جمع شوند و اهداف توسعه با محوریت مردم، دنبال شود (سامتی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۸۶).

1. <http://www.transparency.org/cpi2016/results>

فساد، از طریق عدم حاکمیت قانون، عدم احترام به حقوق بشر، فقدان شفافیت و عدم پاسخگوبودن، حکومت بد را تقویت می‌کند و از این طریق به ضعف ساختارها و نهادهای اساسی برای حکمرانی خوب منجر می‌شود (کارگیو: ۲۰۰۶؛ به نقل از فاضلی و جلیلی کناری، ۱۳۹۱: ۹). همچنین، فساد بر رشد تولید ناخالص داخلی، نابرابری درآمد و فقر، توسعه انسانی و برآورد سلامت و به‌طور کلی کیفیت حکومت تأثیرات منفی دارد و از طریق تضعیف زیرساخت‌های عمومی و خدمات اجتماعی و نیز کاهش درآمدهای مالیاتی موجب کاهش نرخ رشد اقتصادی می‌گردد. درک فساد، بر اعتماد به نهادهای سیاسی اثر منفی دارد، در حالی که تجربه فساد، اعتماد عمومی به نهادهای ملی را کاهش می‌دهد. فساد عدم اعتماد را تقویت می‌کند و عدم اعتماد نیز تلاش حکومت در بسیج جامعه در مبارزه با فساد را بی‌اثر می‌کند و وعده مبارزه با فساد از طرف دولت را در نزد مردم بی‌اعتبار می‌سازد. به این ترتیب همبستگی قوی بین ادراک فساد و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد (موریس و کلنسر، ۲۰۱۰: ۱۲۶).

تحقیقات متعددی که در جهان توسط محققان مختلف صورت گرفته است در سه نقطه با هم تلاقی می‌کنند: اولاً فساد اداری به‌طور گسترده در اکثر نقاط جهان و به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه وجود دارد. ثانیاً این پدیده نه فقط از نظر نقض عدالت اداری و تضییع حقوق شهروندی، بلکه از نظر توسعه اقتصادی و سیاسی نیز برای جوامع بسیار زیان‌بار است و ثالثاً روش‌های مؤثری برای کنترل و مهار آن وجود دارد. از این رو اقدام برای مواجهه با این مسئله اجتناب‌ناپذیر است و هرگام مؤثر به سوی مهار و کنترل آن، مستلزم رسیدن به شناختی علمی از ماهیت، علل و پیامدهای آن است. با توجه به این مطالب، به‌طور کلی در این مقاله سعی می‌شود بر اساس گمانه‌زنی‌های نظری شروط لازم و کافی وقوع نتیجه بررسی شود.

۲. رویکردهای نظری

هدف اصلی این بخش طرح رویکردهای نظری است که محققان برجسته حوزه مطالعات فساد برای فهم و تبیین علل فساد بیان کرده‌اند. با توجه به ماهیت چندوجهی و چندسطحی فساد باید کاملاً هوشیار بود که در تشخیص علل و پیامدهای فساد در دور باطل نیفتیم. چراکه فساد پیامدهایی را به دنبال دارد که همان پیامدها دوباره فساد را بیشتر کرده و بر امکان آن می‌افزایند (رابطه دیالکتیک/علیت حلقوی). به این ترتیب در بررسی و فهم پدیده فساد و تبیین علل و عوامل مؤثر بر بروز آن، شناخت نظریه‌های مطرح در این زمینه و بهره‌برداری از آنها ضروری است. نظریه‌ها موجب دقیق‌شدن افکار و استفاده از آنها در موارد خاص می‌شوند. همچنین محقق را متوجه این نکته می‌کنند که در جستجوی چه چیزی باشد و از چه چیزهایی نیز اجتناب کند. ترایسمن (۲۰۰۰) و لامبزدورف (۲۰۰۵) دو تن از مشهورترین پژوهشگرانی هستند که در بررسی علل فساد نقش داشته‌اند و بیش از همه به آنها مراجعه می‌شود. هردوی این پژوهشگران

بر سطح کلان تمرکز دارند. آنها نخست با تحلیل فساد در بسیاری از کشورها تعداد محدودی از ویژگی‌های کلان را شناسایی کردند. ترایسمن در مطالعه بین‌ملیتی خود در بررسی علل فساد بیان کرده است که نظریه‌های گوناگون مسئله فساد را با سنت تاریخی و فرهنگی خاص، سطح توسعه اقتصادی، نهادهای سیاسی و سیاست‌های دولت مرتبط می‌سازد. وی با تحلیل تحقیقات مختلفی که بر اساس شاخص درک فساد انجام گرفته‌اند کوشید تا یافته‌های گزارش شده را بررسی کند. برآورد رگرسیونی مطالعه او نشان داده است که دموکراسی در یک فرایند آرام، فساد را تخریب می‌کند و مطابق با تحلیل رگرسیون وی، در کشورهایی با چهل سال دموکراسی بی‌وقفه، اثر دموکراسی بر کاهش فساد بیشتر از کشورهایی است که بیست تا سی سال تجربه دموکراسی بی‌وقفه دارند (ترایسمن، ۲۰۰۰: ۴۳۹).

لامبزدورف در مطالعه خود به علل و پیامدهای فساد پرداخته است و بر اساس مطالعات انجام شده در سطح کلان اظهار داشته است که فساد به‌طور بارزی با تولید ناخالص داخلی، جرم، نابرابری درآمد، کیفیت نهادی، هزینه‌های دولت، فقر و جریان و گردش سرمایه بین‌المللی و کالاها در ارتباط است و در بررسی علل فساد به نبود رقابت، تحریف سیاسی، نظام سیاسی، حقوق عمومی و جنسیت و ابعاد فرهنگی اشاره می‌کند (لامبزدورف، ۲۰۰۵: ۲۷).

پلگرینی و جرلاگ^۱ نیز در مطالعه خود در بررسی علل فساد به مرور، مطالعه و مقایسه ادبیات تجربی بین کشورها در این حوزه پرداختند که نتایج مطالعه گسترده آنها نشان داد فساد در کشورهای ثروتمند کمتر است. یافته‌هایی نیز بر قرارگرفتن در معرض دموکراسی میان مدت (سی سال) و بدون وقفه و اثر آن بر کاهش فساد دلالت داشته‌اند. همچنین شواهدی را پیدا کرده‌اند که دستمزد بالاتر در بخش عمومی و دولتی با فساد پایین همراه بوده است و با حذف متغیر درآمد، متغیر دموکراسی بر سطح فساد تأثیر معناداری ندارد. بی‌ثباتی سیاسی نیز تمایل به افزایش فساد را نشان داده است (پلگرینی و جرلاگ، ۲۰۰۸: ۲۶۱).

دیدگاه دیگر رویکرد نهادی است. طرفداران این رویکرد استدلال می‌کنند که ظرفیت گروه‌ها برای عمل کردن در راستای منافع جمعی، وابسته به کیفیت نهادهای رسمی‌ای است که از نظر ساختاری در سطح بالاتری از این گروه‌ها قرار دارند. در قالب این رویکرد مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی و کیفیت دیوان‌سالاری با توسعه اقتصادی همبستگی دارند. آمارتیاسن نیز توسعه اقتصادی و سیاسی را مکمل هم می‌داند و اهمیت مردم‌سالاری را در سه منظر متمایز اهمیت نهادی، سهم ابزاری آن و نقش ساختاری آن در خلق ارزش‌ها و هنجارها می‌داند (آمارتیاسن، ۱۳۸۱: ۱۸۱).

1. Pellegrini & Gerlagh

از نظر عجم‌اوغلو و رابینسون^۱ هر کدام از جوامع با مجموعه‌ای از قوانین اقتصادی و سیاسی کار می‌کنند که وضع و اعمال آنها حاصل کنش جمعی حکومت و شهروندان است. آنها معتقدند نهادها هستند که سبب موفقیت و شکست ملت‌ها می‌شوند؛ زیرا بر رفتارها و انگیزش‌ها در زندگی واقعی مؤثرند. البته استعدادهای فردی در تمامی سطوح جامعه اهمیت دارند اما حتی آنها هم برای آنکه به نیرویی سازنده تبدیل شوند به چارچوبی نهادی نیاز دارند. نهادهای اقتصادی به انگیزه‌ها شکل می‌دهند؛ انگیزه تحصیل، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، ابداع و به‌کارگیری فناوری‌های نوین و غیره؛ و این فرایند سیاسی است که انواع نهادهای اقتصادی مسلط بر زندگی ما را موجودیت می‌بخشند، این نهادهای سیاسی هستند که ماهیت این فرایند را تعیین می‌کنند. نهادهای سیاسی عبارت‌اند از قدرت و قابلیت حکومت در حکمرانی و اداره جامعه. نهادهای اقتصادی و سیاسی در ایجاد فقر و ثروت جوامع با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و آنچه در نهایت تعیین می‌کند چه قوانینی بر جامعه حاکم باشد سیاست است، یعنی اینکه چه کسی یا کسانی قدرت را در دست دارند و این قدرت چگونه اعمال می‌شود (عجم‌اوغلو و رابینسون، ۱۳۹۶: ۷۴). در رویکرد نهادی حاکمیت قانون از ملزومات اساسی توسعه اقتصادی است و در روند توسعه اقتصادی وجود یک مکانیسم اجرایی قوی به‌وسیله یک ساختار قضایی مورد اطمینان برای تضمین امنیت حقوق افراد اهمیت بسیاری دارد (هاگارد و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۰۸). حاکمیت قانون باعث شکل‌گیری توانایی هماهنگ‌سازی دولت و جامعه می‌گردد و تنظیم روابط بر اساس قانون موجب هماهنگی و بهبود عملکرد کنشگران دولتی، بازارها، سازمان‌های رسمی، انجمن‌ها و گروه‌های درون جامعه شده و به دنبال خود هم‌افزایی دولت و جامعه را افزایش می‌دهد. رویکرد نهادی بسیار متنوع است اما لایه‌های متعددی در این نظریه با فساد ارتباط مستقیم دارد. در این رویکرد، فساد به مثابه پس‌زدن ارزش‌های سازمان‌های دولتی برای کسب منفعت شخصی درک می‌شود (دوگراف و همکاران، ۲۰۱۰: ۸۳).

در فرهنگ اقتصادی و حقوقی جدید پالگریو، حاکمیت قانون در تقابل با حاکمیت مردان و زنان قدرتمند تعریف شده است. این تعریف نقطه عطف چالش موجود در بسیاری از کشورهاست که در آنها سیاستمداران قدرتمند، رهبران، نخبگان صاحب نفوذ و خاندان حکومت‌گر غالباً بر فعالیت‌های عملی مجلس، قوه قضائیه و نهادهای مجری قانون از قبیل پلیس و ... اعمال نفوذ می‌کنند. این کشورها غالباً مجموعه کافی از قوانین را در کتاب‌ها دارند، اما در پیاده‌کردن و اجرای مؤثر آن با ناکامی مواجه‌اند. در برخی از کشورها هم نخبگان ذی‌نفوذ این قوانین را به تصرف خود درآورده‌اند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۲۴).

1. Acemoglu & Robinson

نیکولسکو-واگنر^۱ بر این ادعاست که حاکمیت قانون در جوامع دموکراتیک فساد را درمان می‌کند. وی می‌گوید، نظریه‌های عمومی حاکی از این است که دموکراسی، فساد را درمان می‌کند، با این حال دموکراسی‌های نوین به دلیل فساد مالی مبارزات انتخاباتی و عدم تمایل سیاستمداران برای اصلاح حاکمیت قانون، با چالش جدی مواجه شده‌اند. با توجه به ماهیت غیرمستقیم این معاملات، مقامات بلندپایه به سبب تضاد منافع ترجیح می‌دهند مکانیسم‌های اجرایی مبارزه با فساد را در پیش نگیرند. بنابراین حاکمیت قانون اعمال نمی‌شود و با دخالت خود در روندهای قضایی پیامدهای ناگوارتری را برای حاکمیت قانون تداوم می‌بخشند. از نظر نیکولسکو سیاستمدارانی که در دموکراسی‌های نوین به قدرت می‌رسند به سبب محافظت از مقام خود نمی‌توانند اصلاحات قانون اساسی را اجرا کنند، در نتیجه این نهادها هرگز به جایی نمی‌رسند که اجازه دهند دموکراسی فساد را درمان کند. چرا که قطعیت مجازات و حاکمیت درست قانون است که فساد را درمان می‌کند. نیکولسکو بر این باور است که در یک حکومت^۲ حاکمیت قانون چهار ستون اصلی دارد که عبارت‌اند از: تفکیک قوا، پیش‌بینی‌پذیری نظام قانونی، استقلال و بی‌طرفی قوه قضائیه و محافظت برابر از حقوق و آزادی شهروندان توسط قانون (نیکولسکو-واگنر، ۲۰۱۶: ۱۴).

در این راستا می‌توان به دیدگاه چلبی پرداخت که اظهار می‌دارد جامعه‌ای که دچار توسعه‌نیافتگی سیاسی است، در واقع به‌نحوی با نوعی اقتدارگرایی و استبداد سیاسی دست به گریبان است. در این نوع جامعه، قانون آلت دست اقویاست و جو بی‌اعتمادی و سوءظن بر جامعه سایه می‌افکند؛ در چنین شرایطی امکان تحقق انواع فساد سیاسی، اداری و اقتصادی فراهم می‌شود (چلبی، ۱۳۹۵: ۲۰۵). از نظر وی توسعه سیاسی یعنی توزیع متکثر قدرت سیاسی و آنچه به صورت واقعی قابل تصور است، میزان تراکم قدرت است که بین دو قطب مردم‌سالاری مطلق و خودسالاری مطلق از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر قابل تغییر است. با افزایش تمرکز قدرت سیاسی شرایط بالقوه برای نفوذ حوزه سیاسی به سایر حوزه‌ها فراهم می‌شود تا جایی که با افزایش فزاینده تمرکز قدرت، استقلال نسبی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دست می‌رود؛ با افزایش تمرکز قدرت به هزینه‌زدست‌رفتن استقلال نسبی حوزه‌های مزبور، کارکرد این حوزه‌ها نیز تضعیف می‌شود و نظم اجتماعی صبغه بیرونی به خود می‌گیرد (چلبی، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

دانایی و آگاهی شهروندان با داده‌های دقیق و تحلیل تجربی، می‌تواند فساد را مهار کند. افزایش اقتدار جامعه مدنی، در کنترل اطلاعات دقیق و قابل اعتماد، از ستون‌های اصلاحات به شمار می‌روند. نظارت جامعه مدنی بر تصمیم‌گیری و عملکرد بخش دولتی و مشارکت در این

1. Nicolusco-Waggonner

2. state

امور موازنه‌سازی و ابزاری مهم برای مبارزه با فساد است. این فرایند باعث شفاف‌شدن دولت از نظر مردم و افزایش اختیارات شهروندان برای ایفای یک نقش فعال می‌شود. در حالی که بسیاری از کشورهای OECD در انجام اصلاحات شفاف‌سازی پیش‌تاز بوده‌اند، در بسیاری از اقتصادهای در حال گذار و نوظهور، فرهنگ بخش دولتی هنوز مبتنی بر محرمانه‌بودن تصمیم‌گیری است، دسترسی عامه مردم به اطلاعات دولتی تضمین‌شده نیست و از اطلاع‌رسانی درباره تصمیم‌های قضایی نیز پرهیز می‌شود. بنابراین شفافیت یکی از مؤلفه‌های مهم افزایش اقتدار و حق اظهارنظر مردم است. شفافیت به معنای اختیار دادن به شهروندان برای تبدیل‌شدن به میلیون‌ها حسابرس در جامعه و داشتن حق اظهارنظر و دسترسی به مطبوعات آزاد است. شفافیت جریان‌یافتن به‌موقع و مطمئن اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مورد سرمایه‌گذاران خصوصی از وام‌ها و ارزش اعتباری وام‌گیرندگان، خدمات‌رسانی دولت، سیاست‌های مالی و پولی و فعالیت‌های مؤسسات بین‌المللی را فراهم می‌سازد. در مقابل فقدان شفافیت به معنای آن است که هر شخصی مثل یک وزیر دولت یا نهاد عمومی، شرکت یا بانک عمداً مانع دسترسی به اطلاعات می‌شود و یا اطلاعات نادرست ارائه می‌دهد. بنابراین فقدان شفافیت یا ایجاد عدم‌تقارن‌های اطلاعاتی میان قانونگذاران و تنظیم‌گران و آنهایی که مشمول مقررات قرار می‌گیرند، عرصه را برای فساد گسترش می‌دهند. در نتیجه مشارکت و حق اظهارنظر در افزایش شفافیت اهمیت حیاتی دارند؛ چراکه امکان بازبینی و ترازسازی لازم و اصلاح تصرف دولت به دست نخبگان صاحب نفوذ را فراهم می‌آورند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۳۳۹).

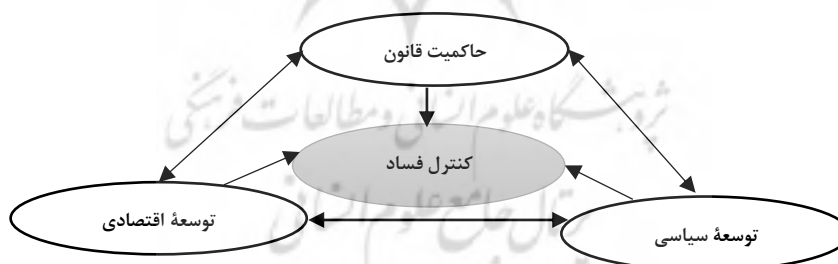
در این راستا می‌توان به تحقیقات تجربی مختلفی اشاره کرد که همبستگی قوی بین آزادی اطلاعات و سطح کمتر فساد را نشان داده‌اند (برای مثال، پلگرینی و گرلاگ، ۲۰۰۸؛ استاپنهارست و همکاران، ۲۰۰۶). لینستد و نائورین^۱ نیز بر این باورند که دموکراسی و حاکمیت قانون برای پاسخگویی حیاتی است. از نظر آنها با اینکه مطبوعات آزاد خطری برای فساد محسوب می‌شود اما شفافیت برای مبارزه با فساد راه‌حلی فوری محسوب نمی‌شود، بلکه شفافیت باید همراه با اصلاحات دیگری ظرفیت مردم در فرایند آگاهی‌رسانی و ضمانت اجرایی را تقویت کند. در این صورت اثر تعاملی انتخابات آزاد و عادلانه، مطبوعات آزاد و یا آزادی‌های مدنی گسترده‌تر با همدیگر، مؤلفه‌های لازم برای مبارزه با فساد است (لینستد و نئورین، ۲۰۱۱: ۸).

بنا بر استدلال چلبی نیز، هر دو فرایند توسعه سیاسی (عمدتاً مردم‌سالاری) و توسعه اقتصادی به مدد یکدیگر می‌توانند فساد را در حدی قابل قبول مهار کنند. توسعه سیاسی محیط سیاسی را برای توسعه اقتصادی و کاهش فساد اداری فراهم می‌کند و غیرمستقیم باعث کاهش نابرابری‌های اجتماعی نیز می‌شود. از نظر وی با توسعه و تکامل اقتصادی (به‌خصوص

1. Lindstedt & Naurin

صنعتی شدن) حداقل می‌توان شاهد چهار تغییر عمده بود. اولاً، توسعه اقتصادی موجب دگرگونی در ساختار شغلی، گسترش تقسیم کار اجتماعی و افزایش پیچیدگی سازمانی می‌شود. دوم اینکه، به تبع تحولات شغلی و اقتضائات فنی، تغییر در ساختار طبقاتی جامعه ایجاد می‌شود. سوم اینکه توسعه و به خصوص توسعه صنعتی محتاج شایسته‌سالاری است و این دو یکدیگر را تقویت می‌کنند. و چهارم اینکه تکامل اقتصادی عام‌گرایی و عقلانیت سازمانی را در جامعه گسترش می‌دهد و این دو می‌توانند به نوبه خود، کم‌وبیش مانع باندبازی، خانواده‌گرایی و خاص‌گرایی قومی شوند. به این ترتیب، از یک طرف تغییر در ساختار شغلی و در ساختار طبقاتی جامعه به تدریج سبب کاهش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود و از طرف دیگر به دنبال توسعه اقتصادی، شایسته‌سالاری، عقلانیت سازمانی و عام‌گرایی در سطح جامعه گسترش می‌یابد و این‌ها همه فساد اداری را مهار می‌کند (چلبی، ۱۳۹۵: ۲۱۲)

به این ترتیب، توسعه سیاسی، به‌ویژه دموکراتیزه‌شدن، باعث افزایش استقلال نسبی حوزه اقتصادی به همراه سایر حوزه‌های جامعه می‌شود تا جایی که این حوزه می‌تواند بر مبنای منطق درونی خود (بهبودسازی) عمل کند. این خود می‌تواند سهمی در رونق اقتصادی داشته باشد. از سوی دیگر، با توسعه سیاسی، مشارکت نسبی مردم در امور سیاسی و اجتماعی جامعه بالنسبه افزایش می‌یابد، گروه‌های بیشتری در کار تدوین قواعد و قوانین شرکت می‌جویند و این نیز زمینه‌های نهادی برای شکل‌دهی دولت پاسخگو و تدوین و اجرای خط‌مشی‌های سیاسی، اقتصادی، قانونی و... را فراهم می‌کند و از این طریق می‌توانند اثر کاهنده در فساد داشته باشد. لذا با توجه به عناصر نظری ارائه‌شده برای کنترل فساد، مدل ۱ به‌عنوان مدل مطالعه حاضر ارائه می‌شود.



شکل ۱. مدل تحلیلی مثلث کنترل فساد

فرضیه‌ها

- حاکمیت قانون شرط لازم/کافی کنترل فساد است.
- توسعه سیاسی شرط لازم/کافی کنترل فساد است.
- توسعه اقتصادی شرط لازم/کافی کنترل فساد است.

۳. روش شناسی

روش تحقیق: در این تحقیق که در سطح تحلیل کلان است از رویکرد تطبیقی استفاده شده است. تکنیک تحلیلی استفاده شده، منطق فازی است. تحلیل علی بر مبنای این رهیافت مبتنی بر اصل زیرمجموعه یا روابط بین مجموعه‌های فازی است. مجموعه رابطه نتیجه نگاشت یک مجموعه در مجموعه دیگر بر اساس ملاک‌های تعریف شده است.^۱ در مجموعه فازی برعکس مجموعه کلاسیک که عضویت عنصری در یک مجموعه یا قطعی است یا نیست، بحث بر سر این است که یک عنصر کم‌وبیش عضو است و در این نوع رهیافت به جای قطعیت عضویت با «درجه‌ای از عضویت» سروکار خواهیم داشت. آزمون فرضیات به روش فازی نیز ناظر بر تعیین درجه صدق و کذب عضویت در مجموعه است. در این میان حداقل سه عدد برجسته است. یکی عدد صفر که عدم عضویت کامل را می‌رساند. در مقابل عدد یک عضویت کامل را نشان می‌دهد و نقطه تقاطع یعنی ۰/۵ نشان‌دهنده آن است که عنصر مزبور هم عضو زیرمجموعه است و هم نیست (چلبی، ۱۳۸۸: ۷).

نمونه مطالعه شده: نمونه مورد مطالعه این پژوهش چهارده کشور جهان هستند که هم کشورهای با فساد زیاد و هم کشورهای با فساد کم را شامل می‌شوند (موارد مثبت و منفی). بنابراین انتخاب نمونه‌ها به این دلیل بوده است که با مقایسه موارد مثبت و منفی (از نظر وقوع نتیجه) شروط لازم و کافی به صورت دقیق‌تری در موارد مثبت و منفی بررسی شود. اسامی کشورهای مورد مطالعه در جدول ۴ نشان داده می‌شوند.

تابع عضویت سه‌بعدی: بر اساس چارچوب نظری ارائه شده، برای کنترل فساد سه بعد یا سه قید (شرط/ملاک) حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. در این زمینه می‌توان یک فضای خاصیت سه‌بعدی در نظر گرفت که دارای هشت گوشه ($2^3 = 2^K$) است. یک فضای خاصیت سه‌بعدی یا به اصطلاح «مکعب فازی» دارای هشت گوشه است که هریک نشان‌دهنده یک نوع متفاوت است. هر نقطه در داخل فضای سه‌بعدی مکعب نیز نشان‌دهنده میزان عضویت در یک مجموعه فازی سه‌بعدی است (همان: ۱۱).

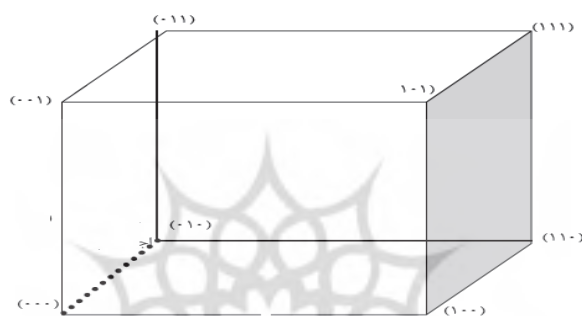
این تابع سه‌بعدی را می‌توان به شکل کلی زیر مطرح کرد:

$$c = \{ (x, y, z), \mu_F^{(x,y,z)} / (x, y, z) \in A \times B \times C, \mu_E^{(x,y,z)} \in [0,1] \}$$

۱. مفهوم مجموعه یکی از استراتژی‌های مطرح در تحلیل‌های موردپژوهی چندگانه و تطبیقی اعم از فازی یا set theory است.

برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: Ragin, Charles C. (2000) *Fuzzy- Set Social Science*

هشت نوع متفاوت آن عبارت‌اند از: ۱. نوع فساد کامل (۰ و ۰ و ۰)؛ ۲. حاکمیت قانون فاقد توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی (۰ و ۰ و ۱)؛ ۳. حاکمیت قانون توأم با توسعه سیاسی و عدم توسعه اقتصادی (۰ و ۱ و ۰)؛ ۴. نوع کامل عدم فساد (۱ و ۱ و ۱)؛ ۵. توسعه اقتصادی فاقد توسعه سیاسی و حاکمیت قانون (۰ و ۰ و ۱)؛ ۶. توسعه سیاسی توأم با توسعه اقتصادی و عدم حاکمیت قانون (۰ و ۱ و ۱)؛ ۷. حاکمیت قانون توأم با توسعه اقتصادی و عدم توسعه سیاسی (۱ و ۰ و ۱)؛ ۸. توسعه سیاسی فاقد توسعه اقتصادی و حاکمیت قانون (۰ و ۱ و ۰). شکل ۲ این هشت نوع متفاوت را نشان می‌دهد.



شکل ۲. نمودار کنترل فساد به‌مثابه فضای خاصیت سه‌بعدی

در ادامه نحوه سنجش شروط علی، تعریف عملیاتی آنها و منابع به‌کاررفته برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به آنها توضیح داده می‌شود.

حاکمیت قانون: بر اساس تعریف بانک جهانی، حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده یا استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قوانین و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می‌شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون. برای سنجش این مفهوم از مجموعه داده‌های حاکمیت مربوط به بانک جهانی استفاده شد.

توسعه سیاسی: بررسی آثار مربوط به توسعه سیاسی نشان می‌دهد که اکثر پژوهشگران عملاً میزان دموکراسی را معادل سطح توسعه سیاسی در نظر می‌گیرند. طی سالیان اخیر با رشد تحقیقات تطبیقی، تلاش‌هایی برای ساختن معیارهایی مقبول و معتبر به‌منظور اندازه‌گیری دموکراسی صورت گرفته است که یکی از آنها واحد اطلاعات اکونومیست^۱ است که کشورهای جهان را با توجه به شاخص‌های پنج‌گانه در نظر گرفته‌شده برای وجود دموکراسی رتبه‌بندی می‌کند. این فهرست، کشورها را بر اساس وضعیت مردم‌سالاری از بهترین وضعیت تا وخیم‌ترین

بررسی علل کنترل فساد در سطح کلان مبتنی بر منطق فازی

وضعیت به چهار نوع مردم‌سالاری کامل، مردم‌سالاری شکننده، شرایط بینابینی (حکومت‌های دوگانه) و حکومت‌های استبدادی تقسیم کرده است.

توسعه اقتصادی: برای سنجش توسعه اقتصادی از شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی براساس تعدیل قدرت خرید^۱ (که معرف توسعه اقتصادی کشورهاست) استفاده شده است و برای سنجش آن، داده‌های گزارش بانک جهانی استخراج شده است. محاسبه شاخص تعدیل قدرت خرید، اولین گام در پروسه تبدیل سرانه تولید ناخالص داخلی که با ارز ملی، بیان شده به یک ارز رایج است تا ما را قادر به مقایسه‌های بین‌المللی می‌کند.

مفهوم‌سازی، مقیاس‌سازی و منابع داده‌ها به‌طور کامل در جدول ۱ گزارش می‌شوند.

جدول ۱. تعریف مفهومی و عملیاتی شروط و نتیجه، منبع و سال داده‌ها

منبع و سال	تعریف عملیاتی و نحوه سنجش	نتیجه و شروط
بانک جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۶ www.worldbank.org/governance	اندازه‌گیری میزان استفاده از مقام دولتی برای منافع شخصی نمره هر کشور در اندازه‌گیری شاخص کنترل فساد از ۲.۵ تا ۰.۵- است.	فساد
بانک جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۶ www.worldbank.org/governance	حاکمیت قانون منعکس‌کننده میزان اطاعت و فرمانبرداری عاملین از قانون، کیفیت اجرای قراردادها، حقوق مالکیت و اقتدار دادگاه و پلیس در جامعه است. بازه عددی حاکمیت قانون بین ۲.۵ تا ۰.۵- است.	حاکمیت قانون
واحد اطلاعات اکنومیست ۲۰۱۰-۲۰۱۶ (EIU) Economist Intelligence Unit	برای سنجش توسعه سیاسی از شاخص میزان دموکراسی استفاده شده است که بر اساس پنج شاخص روند انتخابات و پولاریسم، عملکرد دولت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی سنجیده شده است. بازه عددی دموکراسی برای هر کشور ۱۰-۰ است	توسعه سیاسی
بانک جهانی ۲۰۱۰-۲۰۱۶ www.worldbank.org	برای سنجش توسعه اقتصادی از شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) براساس برابری قدرت خرید (PPP) استفاده شده است.	توسعه اقتصادی

واسنجش^۲ مبتنی بر رهیافت مجموعه فازی به شکلی بالقوه پژوهشگر را قادر می‌سازد حتی برای مقیاس‌های ترتیبی نیز صفر معنادار فراهم کند. واسنجش تنظیم کردن و تحت قاعده درآوردن مدارج (فواصل) وسیله سنجش است. راگین برای تبدیل متغیر فاصله‌ای به مجموعه فازی تأکید می‌کند که حالت مطلوب آن است که واسنجش میزان عضویت در یک مجموعه هدف باید کاملاً بر اساس دانش محتوایی و دانش نظری متخصصان و دانشمندان علوم اجتماعی صورت گیرد. یعنی دانش جمعی دانشمندان علوم اجتماعی مبنای تشخیص و تعیین واسنجش قرار گیرد (راگین: ۲۰۰۸، به نقل از چلیبی، ۱۳۸۸: ۱۸). به این ترتیب پس از تعیین نقاط آستانه یعنی

1. GDP-PPP
2. calibration

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱

عضویت کامل، نقطه تقاطع و آستانه عدم عضویت کامل، برای شروط علی و نتیجه با استفاده از نرم افزار مجموعه فازی^۱ توابع عضویت و شروط واسنجی برای شروط علی و نتیجه به نرم افزار داده شده و با محاسبه نمرات فازی توسط نرم افزار مربوطه، با ایجاد الگوریتم صدق و کذب، ترکیب های ممکن شرایط علی برای تحقق نتیجه را بررسی می کنیم. در جدول ۲ واسنجی نتیجه و شروط، آستانه عضویت کامل و عدم عضویت کامل و نقاط تقاطع آنها نشان داده شده است.

جدول ۲. واسنجی شروط و نتیجه

نتیجه و شروط	آستانه عضویت کامل در مجموعه	نقطه تقاطع	آستانه عدم عضویت کامل در مجموعه
کنترل فساد	۱/۸	۰/۳	-۱/۵
توسعه سیاسی	۶	۴	۲
توسعه اقتصادی	۳۰۰۰	۱۵۰۰	۵۰۰
حاکمیت قانون	۱/۸	۰/۳	-۱/۵

ع. یافته ها

برای ارائه یافته های تحقیق ابتدا در جدول ۳ اطلاعات و آمارهای توصیفی مربوط به شروط علی و نتیجه گزارش شده است.

جدول ۳. داده های فساد در کشورهای مورد مطالعه

نتیجه و شروط	<i>M</i>	<i>SD</i>	<i>Min.</i>	<i>Max.</i>	<i>n</i>
کنترل فساد	۰/۵۱	۰/۳۷	۰/۰۸	۰/۹۸	۱۴
توسعه سیاسی	۰/۶۲	۰/۳۳	۰/۰۵	۰/۹۷	۱۴
توسعه اقتصادی	۰/۷۰	۰/۲۶	۰/۱۳	۰/۹۷	۱۴
حاکمیت قانون	۰/۵۲	۰/۳۶	۰/۰۵	۰/۹۶	۱۴

برای تجزیه و تحلیل داده های مورد نظر در مقیاس فاصله ای لازم است آنها را به ارزش های فازی تبدیل کنیم. به این ترتیب در جدول ۴ تبدیل نمرات فساد به میزان عضویت فازی در کشورهای مورد مطالعه گزارش شده است.

بررسی علل کنترل فساد در سطح کلان مبتنی بر منطق فازی

جدول ۴. تبدیل نمرات کنترل فساد به میزان عضویت فازی در کشورهای مورد مطالعه

کشور	کنترل فساد	انحراف از نقطه تقاطع	اسکالر	لگاریتم بخت	میزان عضویت
دانمارک	۲/۳۴	۲/۰۴	۲	۴/۰۸	۰/۹۸
سوئد	۲/۳۴	۱/۹۸	۲	۳/۸۸	۰/۹۷
کانادا	۱/۹۴	۱/۷	۲	۳/۴	۰/۹۶
آلمان	۱/۸۱	۱/۵	۲	۳/۰۲	۰/۹۵
ژاپن	۱/۵۹	۱/۲	۲	۲/۵۸	۰/۹۳
فرانسه	۱/۳۹	۱/۰۹	۲	۲/۱۸	۰/۸۹
ترکیه	-۰/۰۲	-۰/۳۲	۲	-۰/۵۱	۰/۳۷
تایلند	-۰/۳۸	-۰/۶۸	۱/۶	-۱/۰۸	۰/۲۵
آرژانتین	-۰/۴۳	-۰/۷۲	۱/۶	-۱/۱۵	۰/۲۴
مصر	-۰/۵۷	-۰/۸۷	۱/۶	-۱/۳۹	۰/۱۹
اندونزی	-۰/۵۸	-۰/۸۸	۱/۶	-۱/۴۰	۰/۱۹
ایران	-۰/۷۴	-۱/۰۴	۱/۶	-۱/۶۶	۰/۱۵
روسیه	-۰/۹۹	-۱/۲۹	۱/۶	-۲/۰۶	۰/۱۱
تاجیکستان	-۱/۲	-۱/۵	۱/۶	-۲/۴	۰/۰۸

تحلیل علی منفرد و ترکیبی

همان‌طور که خاطر نشان شد روش تحلیلی علی در پژوهش حاضر تحلیل بر مبنای منطق فازی و آزمون فرضیات علی بر اساس شروط لازم و کافی است. تحلیل علی بر اساس رهیافت مجموعه فازی، مبتنی بر اصل زیر مجموعه یا به اصطلاح روابط بین مجموعه‌های فازی است که در دو قسمت یعنی ارزیابی شرط لازم و ارزیابی شرط کافی بررسی می‌شود. در مجموعه فازی A زیرمجموعه فازی B است، اگر تابع عضویت مجموعه A کوچک‌تر یا مساوی تابع عضویت مجموعه فازی B باشد. بررسی شرط لازم مرجح بر بررسی شرط کافی است. بنابراین ابتدا شرط لازم بودن (شاخص ضرورت) بررسی و در صورتی که شرط لازم نباشد، شرط از نظر کافی بودن (شاخص کفایت) بررسی خواهد شد. چلیبی برای بررسی شروط لازم و کافی از پروتکل ریگین نام برده است که بر اساس این پروتکل بعد از تعیین لازم یا کافی بودن شرط ابتدا شاخص سازگاری شرط بررسی و در صورت بالابودن (بیش از ۰/۷۵) شرط از نظر شاخص پوشش بررسی خواهد شد و در صورت مناسب بودن شاخص پوشش شرط به‌عنوان یک شرط لازم یا کافی انتخاب خواهد شد (چلیبی، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

جدول ۵. پروتکل ارزیابی سازگاری و پوشش

نوع رابطه زیر مجموعه		
علت (X) زیرمجموعه‌ای از نتیجه (Y) است (کفایت)	نتیجه (Y) زیر مجموعه‌ای از علت (X) است (ضرورت)	رویه
با استفاده از ارزیابی سازگاری	با استفاده از ارزیابی سازگاری	گام اول
اگر سازگار بود با استفاده از ارزیابی پوشش	اگر سازگار بود با استفاده از ارزیابی پوشش	گام دوم

به این ترتیب، ابتدا با استفاده از جدول ۵ شروط مؤثر انتخاب و با استفاده از تحلیل علی منفرد، هر شرط بررسی شده است. در مرحله بعد با استفاده از جدول صدق و کذب به بررسی ترکیبات علی مؤثر بر فساد پرداخته شده است.

تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر احتمال وقوع فساد، میزان شاخص سازگاری و شاخص پوشش و همچنین نوع شرط لازم یا کافی در جدول ۶ نشان داده شده است. همچنان که در جدول مذکور مشاهده می‌شود هر سه شرط مورد بررسی در تحلیل علی منفرد به‌عنوان شرط لازم توانسته‌اند احتمال وقوع کنترل فساد را در کشورهای مورد مطالعه تحت تأثیر قرار دهند.

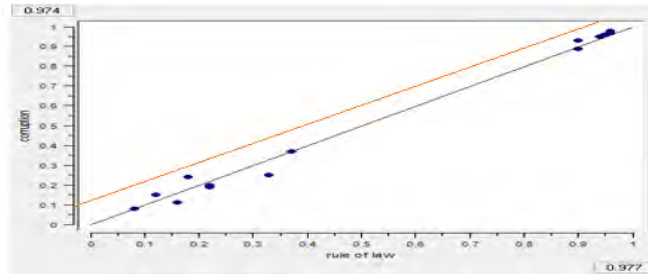
جدول ۶. تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر کنترل فساد در کل کشورهای مورد مطالعه

اهمیت نظری و تجربی شرط		تعیین اولیه نوع شرط			شروط علی
شاخص پوشش	شاخص سازگاری	نوع شرط	شاخص کفایت	شاخص ضرورت	
۰/۷۹	۰/۹۵	لازم	۰/۷۹	۰/۹۵	توسعه سیاسی
۰/۷۳	۰/۹۹	لازم	۰/۷۳	۰/۹۹	توسعه اقتصادی
۰/۹۷	۰/۹۷	لازم	۰/۹۷	۰/۹۷	حاکمیت قانون

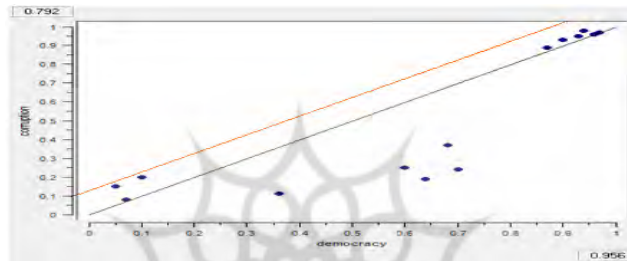
نمودارهای شکل ۳ که در ادامه آورده می‌شود وضعیت کشورهای مورد مطالعه را در رابطه شروط نظری با نتیجه به‌صورت منفرد و جدا نشان می‌دهد.

بررسی علل کنترل فساد در سطح کلان مبتنی بر منطق فازی

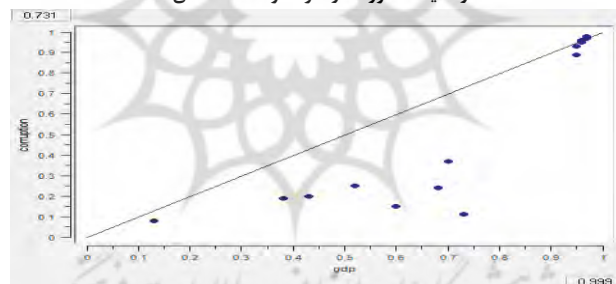
وضعیت کشورها در شرط حاکمیت قانون



وضعیت کشورها در شرط توسعه سیاسی



وضعیت کشورها در شرط توسعه اقتصادی



شکل ۳. نمودار وضعیت کشورهای مورد مطالعه در سه شرط مؤثر

تحلیل مسیرهای علی یا ترکیبات علی

علیت اجتماعی غالباً چندگانه و ترکیبی است. به این معنا که نوعاً ممکن است ترکیب‌های متفاوتی از شرایط وجود داشته باشند که همان تغییر یا پدیده را ایجاد می‌کنند و شناسایی این ترکیب‌های علی به محقق امکان می‌دهد تا فرایندهای تجربی و سازوکارهای علی مختلف را که با پدیده یا رخدادی خاص ارتباط دارند متمایز سازد (ریگین، ۱۳۹۴: ۵۸). به‌منظور تحلیل مسیرهای علی با استفاده از روش الگوریتم جدول صدق و کذب با نرم‌افزار فازی به بررسی ترکیبات علی مؤثر بر افزایش احتمال فساد پرداخته شد. در مرحله بعد سازگاری ترکیب‌های

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۱

مختلف بررسی شده و در نهایت ترکیب‌هایی که سازگاری بالاتر از آستانه تعیین شده دارند به‌عنوان ترکیب‌های نهایی انتخاب شده و در معادله وارد می‌شوند.

همان‌طور که در جدول صدق و کذب در پایین مشاهده می‌شود از ترکیب سه شرط، هشت حالت یا مسیر ممکن حاصل می‌شود (2^k که k تعداد شروط می‌باشد) که از این هشت مسیر ممکن پنج حالت دارای مصادیق تجربی است. با توجه به حجم نمونه مسیرهایی که مصادیق تجربی نداشته باشند از تحلیل حذف می‌شوند. بنابراین پنج مسیر باقی می‌ماند.

جدول ۷. ترکیب‌های علی شرایط علی در روش جدول صدق و کذب در کل کشورهای مورد بررسی

کشورها (شاگله‌ها)	تعداد کل کشورها در ترکیب علی	شاخص سازگاری	شروط علی		
			توسعه سیاسی	توسعه اقتصادی	حاکمیت قانون
سوئد، کانادا، آلمان، ژاپن، فرانسه، دانمارک	۶	۰/۹۷	۱	۱	۱
ترکیه، ایران، آرژانتین	۳	۰/۵۵	۱	۱	۰
اندونزی، مصر	۲	۰/۵۳	۱	۰	۰
تایلند، تاجیکستان	۲	۰/۴۷	۰	۰	۰
روسیه	۱	۰/۶۳	۰	۱	۰

بررسی شاخص سازگاری این پنج مسیر نشان می‌دهد که تنها یک مسیر دارای شاخص سازگاری بالای ۰/۷۵ است.

مسیر اول: حاکمیت قانون * توسعه اقتصادی * توسعه سیاسی^۱

در نهایت با توجه به اهمیت نظری و اهمیت تجربی یا به عبارت دیگر با توجه به شاخص سازگاری و شاخص پوشش مسیر زیر به‌عنوان تنها مسیر در تحلیل شروط مؤثر بر کنترل فساد باقی مانده است. همچنان که شاخص سازگاری و شاخص پوشش مسیر نشان می‌دهد، این مسیر ۸۴ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را پوشش می‌دهد و دارای اهمیت تجربی بالا و قابل قبولی است. شاخص کل و شاخص مسیر آن در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸. نتیجه نهایی مسیرهایی علی در کل کشورهای مورد بررسی

شاخص کل		شاخص مسیر			مسیر علی
پوشش کل	سازگاری کل	پوشش یکه	پوشش خام	سازگاری	
۰/۸۴	۰/۹۷	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۹۷	حاکمیت قانون * توسعه اقتصادی * توسعه سیاسی

۱. * = «و» منطقی

۵. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش این بود که با گمانه‌زنی‌های نظری شروط لازم و کافی وقوع نتیجه یعنی کنترل فساد مطرح و بررسی شود. همچنین تلاش کردیم با بررسی دقیق تئوری‌های مرتبط در حوزه مسئله مورد بررسی با کنار گذاشتن عواملی که عمدتاً پیامد فساد بوده و در برخی از تحقیقات به‌عنوان عامل مؤثر در نتیجه در نظر گرفته شده‌اند، شروط لازم و کافی مؤثر بر نتیجه را مورد آزمون قرار دهیم. بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیق می‌توان ابتدا اهمیت دیدگاه‌های نظری را بررسی کرد. در این راستا می‌توان یادآوری کرد چلبی (۱۳۹۵) هر دو فرایند توسعه سیاسی (عمدتاً مردم‌سالاری) و توسعه اقتصادی را دو عاملی مطرح کرده‌است که به مدد یکدیگر می‌توانند فساد را در حد قابل قبولی مهار کنند. همچنین باید تأکید کرد که میزان و درجه دموکراسی که برای سنجش توسعه سیاسی از آن استفاده شد شرط مؤثری در تبیین مسئله بود. همچنان که برخی از تحقیقات (از جمله، تراپسمن، ۲۰۰۰) مدعی بودند که درجه و میزان دموکراسی بر فساد و کاهش آن اثر کمتری دارد و سال‌های دموکراسی و تداوم آن با کاهش فساد حائز اهمیت است. می‌توان گفت دموکراسی می‌تواند اثرگذار باشد و بر کنترل فساد بدون اثر نیست و نتایج تحقیق حاضر نشان داد که در کنار حاکمیت قانون و توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی (عمدتاً دموکراسی) یکی از شروط لازم در تحقق نتیجه است و هرچه آرام‌تر، باسابقه‌تر و بادوام‌تر باشد اثر بیشتری بر کنترل فساد خواهد داشت.

نتایج این تحقیق همچنین نتایج تحقیق پلگرینی و جرلاگ (۲۰۰۸) در خصوص اثر دموکراسی بر فساد را تأیید می‌کند. مطابق با تحقیق پلگرینی و جرلاگ با حذف متغیر درآمد، متغیر دموکراسی بر سطح فساد تأثیر معناداری ندارد. قابل ذکر است که این یافته‌ها نیز در واقع تأییدی بر دیدگاه چلبی است که توسعه سیاسی محیط سیاسی را برای توسعه اقتصادی و کاهش فساد اداری فراهم می‌کند. به این ترتیب می‌توان گفت یافته‌های تحقیق حاضر نیز توسعه سیاسی توأم با توسعه اقتصادی و همچنین حاکمیت قانون را شروط مؤثر بر فساد و کنترل آن نشان داده است و نتایج تحلیل فازی و شاخص سازگاری و شاخص پوشش بالای این مسیر صحت این ادعا را تأیید کرده است. علاوه بر این، باید خاطر نشان کرد رویکرد نهادی نیز بر این استدلال است که مواردی چون اعتماد همگانی، حاکمیت قانون، آزادی‌های مدنی و کیفیت دیوان‌سالاری با توسعه اقتصادی همبستگی دارند و همان‌طور که بیان شد، در رویکرد نهادی حاکمیت قانون از ملزومات اساسی توسعه اقتصادی است؛ چراکه حاکمیت قانون باعث شکل‌گیری توانایی هماهنگ‌سازی دولت و جامعه می‌گردد و تنظیم روابط بر اساس قانون موجب هماهنگی و بهبود عملکرد کنشگران دولتی، بازارها، سازمان‌های رسمی، انجمن‌ها و گروه‌های درون جامعه می‌شود و به دنبال خود هم‌افزایی دولت و جامعه را افزایش می‌دهد.

بر اساس چارچوب نظری ارائه شده، برای کنترل فساد سه بعد یا سه قید (شرط/ملاک) قائل شدیم: حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی. در این زمینه یک فضای خاصیت سه بعدی در نظر گرفته شد که دارای هشت ($2^3 = 2^3$) گوشه است. بررسی شروط مؤثر در فساد و کنترل آن نشان داد که در نهایت تنها یک مسیر در تحلیل شروط مؤثر بر فساد و کنترل آن باقی ماند. در این مسیر علی، حاکمیت قانون، توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در ترکیب با هم، توأمان علیت عطفی لازم را در بروز نتیجه مورد نظر فراهم کردند. همچنین نتایج نشان می‌دهد شاخص سازگاری مسیر باقی مانده ۰/۹۷ است و این مسیر ۸۴ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را پوشش می‌دهد و دارای اهمیت نظری و تجربی قابل قبولی است. بنابراین به طور کلی می‌توان گفت شروط مورد بررسی قدرت تبیینی قابل قبول و بالایی در تحلیل مسيرعلی کشورهای مورد بررسی دارد.

منابع

- آمارتپاسن (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
- اوغلو، دارون عجم و جیمزای رایبنسون (۱۳۹۶) چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر، ترجمه محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی‌پور، تهران: روزنه.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۴) جامعه‌شناسی نظم تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۹۵) تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۸) «شاخص‌سازی و تابع عضویت فازی: نوع‌شناسی و واسنجی در جامعه‌شناسی»، مطالعات اجتماعی ایران، زمستان، دوره سوم، شماره ۴: ۱-۲۰.
- ریگین، چارلز (۱۳۹۴) روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی، ترجمه محمد فاضلی، تهران: آگه.
- سامتی، مرتضی، همایون رنجبر و فضیلت محسنی (۱۳۹۰) «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی، مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره ۴: ۱۸۳-۲۲۳.
- فاضلی، محمد و محدثه جلیلی کناری (۱۳۹۱) «تبیین سطح فساد: بررسی تطبیقی اثر کیفیت حاکمیت و حکمرانی خوب»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره ۵: ۷-۴۰.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) حکمرانی خوب: بنیان توسعه، تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهشها.

De Graaf, Gjal; Maravic, Partick Von; Waggenaar, Pieter (2010) The Good Cause: Theoretical Perspectives on Corruption, Barbara Budrich Publishers Opladen & Farmington Hills.

- Hagard, s. Macintyre, A. and Tiede, L. (2007) *The Rule of Law and Economic Development*, by University of California – San Diego.
- Lambsdorff, Johann Graf (2005) *Consequences and Causes of Corruption What do We Know from a Cross-Section of Countries?* Diskussionspapiere: Volkswirtschaftliche Reihe, No. V-34-05.
- Lindstedt Catharina & Naurin Daniel (2011) *Transparency against Corruption*, Department of Political Science Goteborg University.
- Kargbo, H. Abubakar (2006) *Corruption: Definition and Concept Manifestations and Typology in the Africa Context*.
- Kaufmann, Daniel, Kraay Aart and Mastruzzi Massimo (2004) *Governance Matters IV: Governance Indicators for 1996-2004*, The World Bank.
- Morris, Stephen and Klesner Joseph (2010) *Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico*. *Comparative Political Studies*, 43 (10) 1258 – 1285.
- Nicolescu-Waggoner, Cristina (2016) *No Rule of Law, No Democracy: Conflicts of Interest, Corruption, and Elections as Democratic Deficits*, State Univ of New York Pr.
- Pellegrini, Lorenzo & Gerlagh Reyer (2008) *Causes of Corruption: A Survey of Crosscountry Analyses and Extended Results*, *Econ Gov.* 9: 245–263.
- Stapenhurst, Rich & Johnston, Niall & Pellizo, Riccardo (2006) *The Role of Parliament in Curbing Corruption*, WBI Development Studies.
- Treisman, Daniel (2000) *The Causes of Corruption: A Cross-national Study*. *Journal of Public Economics*, 76: 399–457.
- Transparency international: <http://www.transparency.org/cpi2011/results>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی